

## رد اموال ناشی از جرم در دادسرا و دادگاه:

برخی جرایم مثل توهین و افترا نتایج مستقیم مالی ندارد، یعنی بر اثر ارتکاب این جرایم، مالی از دارایی قربانی خارج نمی‌شود؛ در مقابل، جرایمی مثل سرقت و کلاهبرداری آثار مستقیم مالی دارد. در سرقت، مالی از قربانی جرم ربوده و در کلاهبرداری با فریب، اموال قربانی از وی گرفته می‌شود. در جرایم نوع دوم پرسشی که وجود دارد این است که تکلیف اموال چه خواهد شد؟ آیا این اموال تا انتهای رسیدگی به جرم توقیف خواهد بود یا مالباختگان می‌توانند بازپرداخت آنها را تقاضا کنند؟ در گفت‌وگو با کارشناسان حقوقی به بررسی این موضوع می‌پردازیم و در کنار آن نحوه مطالبه خسارات ناشی از جرم را بررسی می‌کنیم.

در جرایمی مانند سرقت و کلاهبرداری، شاکی خصوصی نیازی به تقدیم دادخواست بازپرداخت مال و جبران خسارت ندارد. یک حقوقدان در گفت‌وگو با «حمایت» با اشاره به این موضوع خاطرنشان می‌کند: به طور کلی اصل بر این است که برای طرح ادعای خصوصی، متضرر از جرم باید مهلت‌ها و تشریفات را رعایت کند و هزینه‌هایی را بپردازد؛ اما گاهی متضرر از جرم از این امر معاف می‌شود و آن در صورتی است که قانون صریحاً او را از این امر معاف کرده باشد. برای مثال، در جرایم سرقت و کلاهبرداری، قانون، دادگاه را مکلف کرده تا در حکم خود، علاوه بر تعیین مجازات برای مرتکب، وضعیت خسارت‌ها و ضررهای ناشی از ارتکاب جرم را که به مالباخته وارد آمده است، نیز روشن کند. کرامت‌الله محمدی ادامه می‌دهد: در این‌گونه جرایم متضرر از جرم، نیاز به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه ندارد و علاوه بر رد مال، خسارات نیز باید به شاکی پرداخت شود.

مطالبه ضرر و زیان‌های ناشی از جرم

این وکیل دادگستری می‌گوید: بر طبق مقررات موجود ضرر و زیان‌های که از متهم قابل مطالبه است به این شرح است: ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده باشد، مانند خسارتی که در اثر تصادف به اتومبیل شاکی وارد می‌آید، همچنین منافعی که امکان به دست آوردن آن وجود داشته است، ولی مدعی خصوصی بر اثر ارتکاب مجرم به جرم، از آن محروم و متضرر شده است. محمدی توضیح می‌دهد: در امور کیفری ضرر و زیان مادی یا مالی، خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی شاکی وارد می‌شود که گاه به صورت از بین رفتن کامل مال و گاه به صورت کاهش قیمت آنها مطرح می‌شود. علاوه بر این در پاره‌ای از موارد ارتکاب جرم موجب محروم شدن شخص از منافعی می‌شود که انتظار می‌رفت شاکی آن را در وضعیت عادی به دست آورد.

مطالبه منافع ممکن‌الحصول

این وکیل دادگستری می‌افزاید: از بین رفتن منفعت در اثر ارتکاب جرم، به دو صورت قابل تصور است. برای مثال، اگر شخصی کارگر شاغلی را به طور غیرقانونی توقیف کند و مانع کار کردن او و دریافت دستمزدش شود، به طوری که اگر این عمل صورت نمی‌گرفت، آن کارگر به طور یقین دستمزد خود را دریافت می‌کرد محمدی خاطرنشان می‌کند: چه بسا عکس قضیه نیز صادق باشد؛ یعنی کارگر در صورت عمل به نیاتی که در سر داشته و در اثر توقیف غیرقانونی تحقق نیافته است، دچار زیان‌شود؛ این‌گونه منافع (منافع احتمالی)، قابل مطالبه نیستند؛ زیرا هیچ رابطه مستقیمی بین جرم ارتكابی (توقیف غیرقانونی) و این منافع وجود ندارد.

رد اموال ناشی از جرم

این کارشناس حقوقی در توضیح شرایط رد اموال ناشی از جرم می‌گوید: رد اموال در دو مرحله صورت می‌گیرد: در مرحله اول در دادسرا و در مرحله دوم در دادگاه به این مورد رسیدگی می‌شود. محمدی توضیح می‌دهد: بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب، باید تکلیف اشیا و اموال کشف‌شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین کند تا مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین خواهد کرد. همچنین بازپرس یا دادستان مکلف است، مادام که پرونده نزد او جریان دارد، به تقاضای ذی‌نفع و با رعایت شرایطی دستور رد اموال و اشیا مذکور در فوق را صادر کند.

تکلیف مجرم به رد مال

یک وکیل دادگستری نیز در خصوص رد اموال می‌گوید: پیش از آن که جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده توسط

دولت، وارد قلمرو دانش نوین بزه‌دیده‌شناسی شود، جبران خسارت به وسیله مرتکب جرم، تنها روش ترمیم ضرر و زیان وارد بر مجنی‌علیه بود. خلیل بهرامیان می‌گوید: قانون مجازات اسلامی در مقام بیان حکم استرداد اموال حاصل از جرم به عنوان یکی از روش‌های ترمیم عینی خسارت چنین مقرر می‌دارد: «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارت وارده نیز برآید». ماده ۱۰ همان قانون، حکم تعیین تکلیف اشیا و اموال حاصل از جرم را به این شرح بیان داشته است: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب، باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب اختصاص داده شده است، تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین خواهد کرد همچنین بازپرس یا دادستان مکلف است، مادام که پرونده نزد او جریان دارد، به تقاضای ذین‌فع با شرایط زیر دستور رد اموال و اشیا مذکور در فوق را صادر کند:

- ۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیا و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.
- ۲- اشیا و اموال بلامعارض باشد.
- ۳- در شمار اموال و اشیا نباشد که باید ضبط یا معدوم شود».

### ضرر و زیان‌های قابل مطالبه

این وکیل دادگستری با اشاره به ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ضرر و زیان‌های قابل مطالبه را به سه دسته تقسیم می‌کند و می‌گوید: اولین نوع ضرر و زیان، ضرر و زیان‌های مادی است که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل می‌شوند که علاوه بر ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی در باب امور کیفری، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۳۲۸ و ۳۲۲ قانون مدنی نیز در باب امور مدنی، بر ضرورت جبران خسارت مادی تأکید ورزیده‌اند.

وی دومین نوع ضرر و زیان را منافع‌ی که ممکن‌الوصول بوده و در نتیجه ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود، می‌داند. بهرامیان ضررهای معنوی را به عنوان سومین نوع معرفی می‌کند و می‌افزاید: در مورد قابلیت مطالبه ضررهای معنوی بحث‌های زیادی وجود دارد. به طور مثال، در یک درگیری، فردی سبلی به دیگری می‌زند و باعث کر شدن طرف مقابل می‌شود در اینجا یک بحث مخارج مالی ترمیم گوش مطرح است که این بحث مادی قضیه است و یک بحث، تعرض به حیثیت فرد است که این از موارد معنوی به شمار می‌رود. اما باید گفت که اکنون به بعد معنوی قضیه آن‌چنان توجه نمی‌شود و این در حالی است که در قانون مدنی بر آن تأکید شده است و قانون اساسی در اصول متعددی بر مسائل معنوی و اخلاقی تأکید و در مواردی به صراحت ضمانت آن را مشخص کرده است.

بهرامیان ادامه می‌دهد: اهمیت حقوق غیر مادی در قانون اساسی پس از انقلاب مشروطیت در اصل نهم متمم آن، مصوب ۱۴ آبان ۱۳۱۷ به رسمیت شناخته شده بود. در نظام جمهوری اسلامی نیز قانونگذار در بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی به کرامت و ارزش والای انسان اشاره دارد و بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی، «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند». همچنین قانونگذار در اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در یک موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر موردی خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر، طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود. در هر حال، از متهم اعاده حیثیت می‌شود». بر این اساس باید پذیرفت که تعرض به حیثیت افراد از جمله مهم‌ترین خسارت‌های معنوی است.

بهرامیان متذکر می‌شود: قانون مسئولیت مدنی که در سال ۱۳۳۹ در ۱۵ ماده به تصویب رسید، در ماده یک خود اشعار می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا

آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». با توجه به قانون اساسی که مهم‌ترین و بالاترین قانون در کشور است و نیز بر اساس قانون مسئولیت مدنی، امکان حکم به ضررهای معنوی وجود دارد؛ اما محاکم با استناد به نظر شورای نگهبان در راستای غیر شرعی قلمداد کردن تقویم آن به پول، از حکم به جبران آن خودداری می‌کنند.

بهرامیان در خصوص اینکه وجود اعیانی در ملک موضوع جرم هم نمی‌تواند مانع از استرداد آن شود، در این خصوص به نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه اشاره می‌کند و می‌گوید: نظریه ۷/۹۴۲۱-۱۵/۱۲/۱۳۷۷ اداره حقوقی قوه قضاییه در رابطه با استرداد اموال ناشی از جرم، جای بررسی دارد که می‌گوید: مطابق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، مال ناشی از جرم، هرچند در تصرف اشخاص دیگری باشد، باید از متصرف اخذ و به صاحبش مسترد شود و متضرر از آن بر طبق تبصره يك ماده یاد شده، می‌تواند به آن اعتراض کند. بنابراین زمینی که با معاملات عادی راجع به آن چند دست گشته و حتی اعیانی بر آن احداث شده، مانع از استرداد نخواهد بود. به عبارت دیگر وجود اعیان و تأسیسات در زمین موضوع کلاهبرداری که مرجع قضایی بر طبق مقررات قانونی دستور استرداد آن را داده است، مجوز ادامه تصرفات غاصبانه نخواهد بود و متصرف که یدش ناشی از معامله باطل بر روی مال ناشی از جرم است، چنانچه مدعی اعیان و

مستحقات باشد، بایستی با اعتراض بر دستور استرداد به مرجع قضایی مراجعه کند. همچنین متضرر می‌تواند علیه فروشنده که مسبب ورود خسارت بوده است، دادخواست بدهد.

با توجه به آن چه کارشناسان در گفت‌وگو با «حمایت» مورد تاکید قرار دادند، اموال ناشی از جرم در صورتی که ضرورتی برای نگهداری آن وجود نداشته باشد، به مالباختگان برگردانده می‌شود. سازوکار این امر در هر يك از مراحل دادگاه و دادرسی با یکدیگر متفاوت است.

پی نوشت:

مسعود عرفانیان

منبع: وبلاگ تخصصی حقوق